

حاج مرشد چلویی

خیلی وقت‌ها برای پیدا کردن روش‌های افزایش فروش، کتاب‌های متخصصین غربی را زیر و رو می‌کنیم، غافل از این که در نسل کاسبان قدیمی کشور خودمان، الگوهایی کامل از مشتری مداری به چشم می‌خورد. یکی از مشهورترین آنان، حاج میرزا احمد عابد نهاوندی معروف به «مرشد چلویی» است. کاسبی که کهنه‌بازاری‌های پایتخت هنوز او را به خاطر دارند و از وسعت بخشندگی آن پیرمرد قد بلند، لاغر اندام و محاسن سپید، خاطره‌ها می‌گویند.

در ضلع شرقی مسجد جامع بازار تهران، دکان غذاخوری بود که بالای پیشخوان دکانش نوشته بود: «نسیه و پول دستی داده میشود، به قدر قوه...» جلوی چلوکبابی صف طولی بود برای مشتریان و یک صف کوتاه‌تر برای مستمندان و فقیرانی که غذای رایگان و خرجی یومیه می‌گرفتند. شاید کسانی که در صف طولانی خرید غذا می‌ایستادند، نیت کمک و سیر کردن آن صف دیگر را هم داشتند.

درباره مرشد نقل می‌کنند هر وقت کودکانی که برای بردن غذا برای صاحبکارشان می‌آمدند، را می‌دید... لقمه‌ای چرب و لذیذ از بهترین گوشت و کباب و ته دیگ زعفرانی درست می‌کرد و خود با دستانش بر دهان آن‌ها می‌گذاشت و می‌گفت مبدا صاحبکارش به او از این غذا ندهد و او چشمش به این غذا بماند و من شرمنده خدا بشوم...



او شخصاً داخل سالن سر هر میز می‌رفت و مشتری‌ها را می‌دید و احوال پرس می‌کرد، گاهی لطیفه‌ای می‌گفت و مشتریان را متبسم می‌کرد. مقداری روغن از داخل بادیه برمی‌داشت و روی ظرف غذای مشتری می‌ریخت. گاهی با یک دسته سیخ کباب بین میزها می‌چرخید و هر بشقابی خالی می‌شد - حتی شده به اصرار - سیخی کباب داخلش اضافه می‌کرد».

همواره تاکید داشت روزی تو همیشه می‌رسد؛ گاهی کم است و گاهی زیاد، ولی روزی حداقل را خدای متعال قطع نمی‌کند. مثل جوی آب؛ گاهی آب زیاد و تندی در جوی می‌آید و گاهی هم آب کم می‌شود، اما قطع نمی‌شود: «آب باریک بند نمیداد، آب باریک همیشه می‌داد»!

جمع‌آوری و تدوین: مجید برقی

کانال تلگرام: <https://telegram.me/DrCRM>



لینک مطلب: <http://DrCRM.ir/fa/?p=13156>